

Types of Revelation and its Semantics on Islamic Lifestyle

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Prastoo Dolabi^{1*}

Aghdas Yazdi²

Abbas Izadpanah³

How to cite this article

Prastoo Dolabi, Aghdas Yazdi, Abbas Izadpanah, Types of Revelation and its Semantics on Islamic Lifestyle, Islamic Life Style. 2023; 7 (2) :174-208.

1. PhD. student, Department of Philosophy of Islamic Theology, University of Qom, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Islamic Philosophy and Theology Club, University of Qom, Qom, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: doulabi77@gmail.com

Article History

Received: 2023/04/09

Accepted: 2023/06/17

ABSTRACT

In order to examine the types of revelation from the perspective of Allameh Tabatabaei and Sheikh Mohammad Abdeh, who are experts in the field of jurisprudence and principles, a research was conducted with the aim of determining the level of recognition of revelation and the types of revelation. Based on this, the views of Allameh Tabatabai and Sheikh Abdo as two Islamic authorities, one Shiite and the other Sunni, were researched. They believed that revelation is a message from God to the first and foremost prophets and the types of revelation are generally and briefly grouped into 6 types that were revealed to the prophets in times of need. Revelation and revelation matters are one of the prominent and clear matters for the prophets; But in the meantime, some words have been narrated that have distinguished them from others. Honest dreams, inspirations and other points have distinguished Allameh Tabatabai's and Sheikh Muhammad Abdo's view of revelation.

Keywords: Islamic, Revelation, Lifestyle

انواع وحی و معناشناسی آن بر سبک زندگی اسلامی

پرستو دولابی^{1*}

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

اقدس یزدی²

استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

عباس ایزدپناه³

استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

به منظور بررسی انواع وحی از نگاه علامه طباطبایی و شیخ محمد عبده که جزء افراد صاحب نظر و اهل کلام در زمینه فقه و اصول می باشند، پژوهشی با هدف تعیین میزان شناخت وحی و انواع وحی انجام شد. بر این اساس نگاه علامه طباطبایی و شیخ عبده به عنوان دو مرجع اهل اسلام، یکی شیعه و دیگری سنی مورد پژوهش قرار گرفت. آنان معتقد بودند که، وحی پیامی از سمت خدا به پیامبران اولوالعظم می باشد و انواع وحی در حالت کلی و به صورت مختصر به 6 نوع گروه بندی شده اند که در مواقع مورد نیاز بر پیامبران نازل شده است. وحی و امور وحیانی، یکی از امور برجسته و واضح بر پیامبران است؛ اما در این بین سخنانی نیز روایت شده است که آنها را از متمایز کرده است. رویاهای صادق، الهامات و نکات دیگر، سبب تمایز نگاه علامه طباطبایی و شیخ محمد عبده به وحی شده است.

کلمات کلیدی: اسلامی، وحی، سبک زندگی.

تاریخ دریافت: 1402/01/20

تاریخ پذیرش: 1402/03/27

*نویسنده مسئول: doulabi77@gmail.com

مقدمه

پژوهشی در خصوص وحی از منظر اساتید بزرگ، مانند علامه طباطبایی و شیخ محمد عبده که از افراد بزرگ در علم وحی و وحانیت می باشند انجام شد. این پژوهش، اصولاً دیدگاه افراد صاحب کلام و مقایسه آن با نظر برخی از اساتید بزرگ مانند شیخ بهایی، امام خمینی (ره) و همچنین دیدگاه افراد در ادبیات نوین در این بررسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. قرآن به عنوان معجزه مکتوب پیامبر خاتم(ص) همواره حضوری پررنگ در فرهنگ، هنر و ادبیات ایران زمین داشته است و امروز با مراجعه به ادبیات کهن ایران زمین به خوبی می توان انعکاس این کتاب آسمانی در متون به یادگارمانده از بزرگان فرهنگ و ادب ایران را رصد کرد. وحی و مسأله «وحی»، دریافت وحی و ارتباط پیغمبران با عالم غیب از مفاهیم مهم دینی می باشد که شناخت اصل آن که خاص پیامبران بوده است و به خواست خداوند عزوجل تا زمان ظهور امام زمان (عج)، مقدور نمی باشد. عالمانی که خود را در وادی غیب سیر و سلوک دارند، از درک حقیقت وحی اظهار ناتوانی می کنند. جز و ناتوانی کرده اند. در اکثر کتب علامه طباطبایی به واژه وحی اشاره شده است و ایشان، وحی را در کتب خویش «شعور مرموز» می نامد و در کتاب خویش شعور و درک حقیقت وحی را منحصر به انبیاء می داند و وحی را یکی از اتفاقات مهم از طرف خداوند برای بشر دانسته اند. امام خمینی (ره)، به عنوان یک عارف دینی که به معارف و اصول دینی اشراف کامل داشتند، در تصور وحی را برای انسان ناممکن می داند (1). دلیل این اظهار ناتوانی مشخص است؛ به دلیل این که اتفاقی که انسان خود شاهد آن نبوده و قادر به درک عظمت و بزرگی آن نمی باشد، برایش در مرحله اول جای تعجب و در مرحله بعدی درک نامناسب از آن است.

امام خمینی (ره) ماهیت وحی را یک ادراک مرموز و یک حقیقت غیبی می داند که تنها خداوند و رسولش از تمام ابعاد آن آگاه هستند (2). به اعتقاد ایشان فهم حقیقت وحی و قرآن تنها برای کسی ممکن است که مخاطب آن باشند و دیگران به واسطه او، از حقایق باطنی آن اطلاع می یابند (3). حضرت امام با فرق گذاشتن میان شناخت علمی و شناخت شهودی، بر این باور است که دو گونه شناخت از وحی امکان پذیر است. در معرفت عقلی و فلسفی، تنها می توان به شمه ای از این پدیده پی برد؛ ولی در شناخت شهودی، اولیای الهی و کمترین که اول آنها خود وجود مبارک رسول ختمی (ص) است و مشاهده حقیقت وحی جز به وصول به عالم وحی و خروج از حدود امکانی محقق نمی شود (2).

امام خمینی (ره) معتقد بودند که به اعتقاد امام خمینی (س) وحی و مکاشفه رابطه تشکیکی دارند و هر دو از سنخ علم حضوری هستند؛ اما درجه و شدت وجودی وحی بیشتر از مکاشفه است. وحی نوعی کشف است که به کشف تام آن حضرت ختمی مکشوف و به وحی و افاضه حضرت حق بر قلب پیامبر (ص) نازل شده است؛ (4) از این رو ادراک و دریافت حقیقت وحی، تنها از طریق مکاشفه تام الهی برای پیامبر ختمی در مرتبه «قاب قوسین أو أدنی» حاصل می شود (2). به اعتقاد امام خمینی (س) حقیقت وحی دارای مراتبی است. در یک مرتبه کشف وحی الهی در مرحله حضرت علمیه و اعیان ثابت که نبی الهی با سیر در حضرت علمیه به آن می

رسد، در مرحله بعد کشف حقایق در لوح و قلم قدسی است که به مقدار احاطه علمی و نشئه کمالی خود، به حقایق و شرایع و اختلاف آنها اطلاع پیدا می کند و گاهی ممکن از این حقایق از طریق غیب نفس و سر روح شریف پیامبر به واسطه فرشته وحی، در قلب پیامبر (ص) تنزل کند و گاهی جبرئیل مثل مثالی در حضرت مثال و گاهی تمثیل ملکی پیدا می کند و آن حقیقت الهی را تنزل می دهد و گاهی در حس مشترک به گونه ای است و گاهی در شهادت مطلق به گونه ای دیگر است و این مراحل اشاره به روایتی است که مراحل هفتگانه نزول قرآن را بر هفت حرف شمرده است (4).

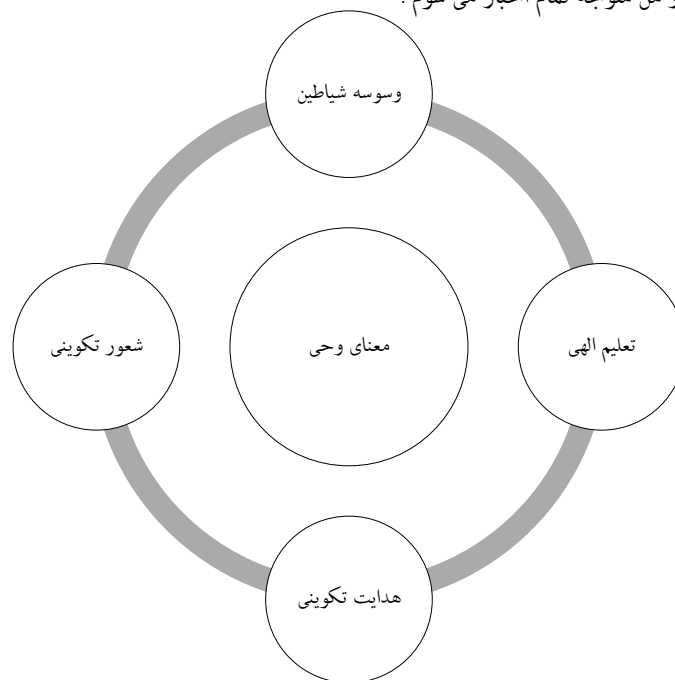
تفاوت نظر علامه طباطبایی و عبده در مورد انواع نزول وحی وحی از منظر علامه طباطبایی، به دو قسم شفاهی و غیر شفاهی تقسیم شده است که با نظر شیخ عبده دارای تفاوت می باشد. به دلیل تفاوت نگاه علامه و شیخ عبده نیاز است به مفهوم وحی و حقیقت امور وحیانی اشاره شود. وحی به صورت اقسام وحی، کیفیت نزول آن، محتوای وحی، نحوه درک آن، تمایز وحی و الهام، وحی و تجربه دینی، وحی و شهود عرفانی، مولد و مقلد بودن نبی در پرتو امور وحیانی، محصول تلاش نبوی و بسیاری از مسائل دیگر در این رابطه، از جمله مباحث مورد بحث متکلمان و حکیمان در طول تاریخ هستند که در باب نبوت انبیای الهی صورت گرفته اند و دامنه آن تا به امروز ادامه دارد (5).

احادیث و روایات گوناگونی در خصوص نزول وحی و چگونگی انواع نزول وحی آمده است. در یکی از روایاتی از حارث بن هشام آمده است که ایشان درباره چگونگی نزول وحی از پیامبر اسلام سؤال کردند. حضرت پیامبر فرمودند که گاهی همانند صدای زنگ بر من ارسال می شود که سخت ترین حالت می باشد. در این زمان صدای زنگ از من جدا می شود و من متوجه تمام اخبار می شوم.

وحی در قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان معجزه رسول اکرم حاصل از وحی می باشد (6). وحی و امور وحیانی یکی از موضوعاتی است که شاید به دلیل گستردگی معنایش در قرآن کریم، برای برخی مفهوم حقیقی و ماهیت واقعی خود را پیدا نکرده باشد و با اینکه بسیاری از عالمان دینی حقیقت وحی را فراتر از درک عقل دانسته و به عجز و ناتوانی عقل در این باب سخن گفته اند، اما برخی بر روشن شدن حقیقت آن اصرار دارند و با استفاده از هر ابزار معرفتی مثل قوه تخیل، توهم و حس می خواهند معنای آن را روشن نمایند و با مقایسه کردن آن در مقابل پدیده های مادی، در مقام تبیین حقیقت آن برآیند؛ غافل از آنکه قیاس کردن امور مجرد با پدیده های مادی، قیاسی مع الفارق است (5). وحی به تصریح قرآن کریم، بر قلب پیغمبر اکرم (ص) نازل شده است. پیامبر اکرم در نخستین وحی که به او می شود و رسالت او اعلام می گردد، تردیدی نمی کند که این وحی از ناحیه خدای سبحان است. وحی که شعور باطنی انبیاست، از سنخ شعور فطری مشترک انسان ها نیست. آن شعور فکری است (7).

به نظر علامه طباطبایی، وحی القای معناست به صورتی که فقط برای درک موضوعی به فرد الهام می شود تا به راه مستقیم هدایت شود. در مطالعات انجام شده، نتیجه گیری شده است که علامه طباطبایی، تصورات و درک های مناسبی را از مطالعات بدست آورده بود که سبب ادراک مناسبتر شرایط شود و ایشان توانسته بودند نبوت را درک کرده و روش دستیابی مناسب به وحی را شناسایی کرده و آن را از باقی صفات تمیز دهد. بر اساس نظریات مولفین، معنای وحی در قرآن کریم به گروه های زیر دسته بندی شده اند.



مدل 1. معنای وحی، جمع آوری

هر برهه ای از زمان، با دیدگاهی جدید به موضوع وحی و وحیانیت نگاه کرده و آن را به صورت های مختلف مورد بررسی قرار داده

براساس مقاله خلیلی (8) معنای وحی در قرآن کریم به صورت زیر گروه بندی شده اند. در این قسمت لازم به ذکر است که علما در

مجلسی، محمدباقر، در اولین کتاب فارسی خود به نام «عین الحیات» زمینه را برای تبیین موقعیت تسخیرناپذیر شاه شیعه فراهم می‌کند. حدیثی منسوب به یکی از ائمه نقل می‌کند که در آن، هنگامی که حضرت ابراهیم (ع) جلوتر از نمرود حرکت کرد، از جانب خداوند وحی به او رسید که در پشت سر او حرکت کند. از این گزارش مجلسی استنباط می‌کند که مردم ملزم به احترام و ادب نسبت به پادشاه هستند، هر چند غیرمسلمان، کافر و ظالم باشد.

بهشتی پور، روح اله (10)، در مقاله عقل و وحی از نظر علامه طباطبایی، در مورد رابطه عقل و وحی تحقیقات درخور توجهی انجام داده است. به نظر می‌رسد، بر پایه بازخوانی مبانی طراحی شده علامه طباطبایی در زمان خود، مسئله تعارض عقل و وحی اساساً متفی می‌باشد. دلیل اصلی نفی آن، عقل فلسفی است که عهده دار ارزیابی شروط سه گانه قطعیت وحی است. از این رو، وحی غیر مطابق با عقل قطعی فلسفی عملاً به دایره ظنون کشانده شده، هیچ گاه وحی قطعی ای به دست نخواهد آمد که با عقل قطعی در تعارض باشد، وحی ظنی بر جای مانده نیز، به دلیل «ظهور لفظی» صلاحیت حجیت و تقدم بر ره آورد تجارب بشری، یعنی فلسفه را نخواهد داشت. افزون بر این، از نظر ایشان، حجیت روایات متواتر نیز، دلیل به کارگیری آن در تفسیر آیات نبوده، روایات مزبور، فاقد هرگونه حجیت تفسیری اند. چهار مبنا از مبانی کلیدی و سرنوشت سازی که علامه در تحلیل این نوع رابطه به آنها توجه بیشتری نموده است، عبارتند از: این همانی فلسفه و عقل، اثبات حجیت نقل از طریق فلسفه و استقلال عقل در درک معرفت، قشری و یا حداکثر ارشادی بودن معارف و حیانی و متعالی بودن معارف عقلی.

شانظری، جعفر، یاریان کوبانی، مجید، عبدلی مهرجردی، حمیدرضا، در مقاله درآمدی بر روش و گرایش تفسیری شیخ محمد عبده، بیان می‌کند که او در فعالیت های تفسیری خود کوشیده است تا با مبانی عقلی به که به «تفسیر المنار» تفسیر قرآن بپردازد و از شیوه سنتی فاصله گیرد. این تلاش او را می‌توان در

و غیره مشاهده کرد. عبده در تفسیر خود «تفسیر جزء سیام قرآن» کمک شاگردش رشیدرضا نگاشته و بیش از هر چیز، بر جنبه هدایتی قرآن تاکید می‌کرد و معتقد بود، قرآن باید سعادت جوامع اسلامی را به ارمغان بیاورد و بر این اساس می‌گفت نباید قرآن را پرستید؛ بلکه باید با کمک قرآن خدا را پرستید. او اگرچه اندیشه ای مبتنی بر عقل داشت، ولی با تأویل آیات الهی مخالف بود و گرچه انسانی سیاسی و اجتماعی بود، نگرش های شخصی خود را داخل در تفسیر قرآن نمی‌نمود و با تکیه بر مباحث لغوی و عقلی، سعادت جوامع بشری را می‌جست.

مکتبی کوتاه در مورد انواع وحی

در نگاه اول، تصور می‌شود که وحی به معنای پیامی غیبی به پیامبران می‌باشد که به نظر خیلی ساده می‌باشد اما با افزایش دانش، انسان به صورت جزئی با ماهیت وحی آشنا شد. در این زمان علائم وحی، آورنده وحی و نوع پیام های وحی مشخص شد. در مورد دین اسلام و ادیان مختلف و انواع وحی در این شاخه های مذهبی این ارتباط ویژه، وجود دارد که پروردگار به طور مستقیم یا به وسیله فرشته وحی با پیامبران سخن می‌گوید و علوم، معارف، احکام و

اند. محمد عبده وحی را الهامی از سمت خدا دانسته است. وحی را معرفی می‌داند که به واسطه یا بی واسطه برای انسان حاصل شده و از جانب حق تعالی نازل می‌شود.

تفاوت وحی با احادیث قدسی

وحی و حدیث قدسی به پیامبران خدا نازل می‌شده است و پیامبران هیچ گونه دخل و تصرفی در آن نداشتند که این، از علامت های وحی و حدیث قدسی می‌باشد. پیامبران ملزم به دریافت پیام خداوند و اجرای آن بدون هیچ کم و کاستی می‌باشند. تنها تفاوت میان وحی و حدیث قدسی این می‌باشد که در وحی پیام دریافتی از سمت خدا و از جانب خداست.

حدیث قدسی، حدیثی است که پیامبر از قول خداوند حکایت می‌کند، بدین صورت که معنا و مضمون آن به وسیله الهام، یا در خواب و غیره به پیامبر القا شود، و پیامبر با لفظ خود آن را ادا نماید. جرجانی نیز حدیث قدسی را چنین بیان کرده است:

«هو من حیث المعنی من عندالله و من حیث اللفظ من رسول الله، فهو ما اخبر الله تعالی به نبیه بألهام او بالمنام، فاخبر(ع) عن ذلک المعنی بعباد نفسه، فالقرآن مفضل علیه لان لفظه منزل ایضاً»؛ معنای حدیث قدسی از خداست ولی لفظ آن از پیامبر است.

حدیث قدسی، در اصل حدیثی است که خداوند پیامبرش را به وسیله الهام یا در خواب از آن آگاه نموده، و پیامبر با الفاظ خودش آن معنا را از خداوند خبر می‌دهد. پس قرآن بر حدیث قدسی برتری دارد، زیرا علاوه بر معنا الفاظ آن نیز از طرف خداوند نازل شده است.

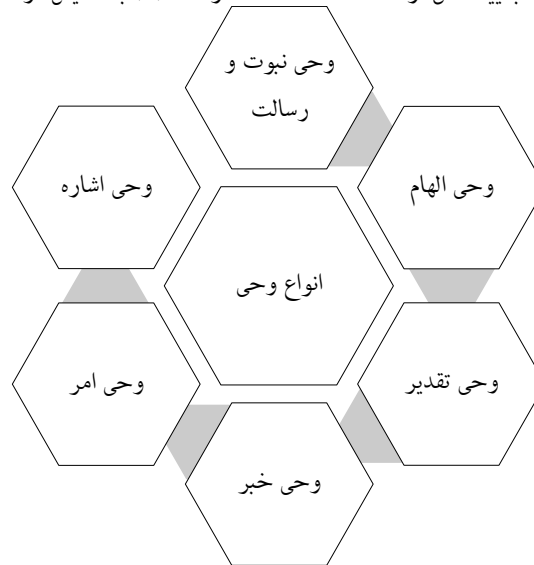
مروری بر منابع وحی

مطالعات زیادی در فرهنگ اسلام و در کشورهای اسلامی و همچنین در سایر ادیان و فرهنگ ها بر روی وحی انجام شده است. در ادامه به گوشه ای از این مطالعات اشاره شده است.

طالب تاش، عبدالمجید (9) در مقاله نزول وحی در قرآن بر پیامبر اسلام از منظر امام خمینی (س) بیان کرد که وحی فرستنده وحی خداوند است که بر پیامبر اسلام آن را نازل کرده است، همچنان که بر پیامبران پیش از ایشان نیز، وحی را فرو فرستاده است. نزول وحی بر پیامبر اسلام یکی از سؤالات حائز اهمیت و در حوزه علوم قرآنی قرار گرفته است. امام خمینی با استفاده از دیدگاه رایج در میان علمای علوم قرآنی تفاوت دارد و به دیدگاه ابن خلدون درباره چگونگی ارتباط و حیانی پیامبر نزدیک است؛ اما امتیازهایی در دیدگاه امام یافت شد. بر اساس دیدگاه امام خمینی، پیامبر اسلام با رهایی از جلباب بشری، در افق اعلی حضور می‌یابد و جبرئیل امین، وحی قرآن را بر قلب مبارک ایشان القاء می‌کند. بر این اساس، دیگر انسان ها راهی برای اتصال به عالم غیب ندارند؛ نتیجه این اتفاق، حقیقت وحی و آنچه در عالم علوی برای رسول الله اتفاق افتاد، درک نمی‌شد. از این رو تعبیرهایی که درباره چگونگی حالت و حیانی به ما رسیده، ظواهری در خور فهم ما انسان های گرفتار در عالم طبیعت است که با حقیقت وحی که در عالم ملکوت رخ داده است فاصله دارد.

استدلال‌ها، براهین و تکذیب‌کننده استدلال‌های مخالف است، پیام آن نه تنها به دلیل وحیانی بودن آن، که همچنین به دلیل منطق ذاتی اش بایستی پذیرفته شود. علیرغم تأکید عبده بر نقش عقل، وی وجود وحی را برای انسانها واجب برمی‌شمارد چراکه هرچند وجودیت پروردگار بطور منطقی اثبات شدنی است، اما همه جوانب و صفات بارگاه الهی چنین نیست. بعلاوه، ذات بشری مانع از آن می‌شود تا انسان همیشه براساس فرامین عقلی عمل کند، بدین دلیل است که انسان‌ها و جوامع برای عمل نمودن (انجام امور) به راهنمایی و ارشاد نیاز دارند (8).

وحی در قرآن کاربردهای متفاوتی دارد که گروهی از این کاربردها در مدل (2) به نمایش در آمده است.



مدل (2) انواع وحی

فرا می‌خواند. تفاوت ماهوی الهام و وحی اولیاء مشخص نمی‌باشد (7). «وحی الهام» که در سوره نحل آیه 68 آمده است: «واوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا ومن الشجر ومما یعرشون» (سوره نحل، آیه 68) (پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که از درخت و داربست‌هایی که (مردم می‌سازند) خانه‌هایی برای خود انتخاب کن) الهام در اصطلاح عرفانی نوعی اخبار و افاضه الهی برای انسان است که او را به انجام عمل فرامی‌خواند. تفاوت ماهوی الهام و وحی اولیاء مشخص نمی‌باشد، هر چند به نظر می‌رسد هر دو در ماورایی بودن مشترک هستند. از این رو الهام خاص که همان علم امام می‌باشد، از جهت ماهیت با وحی رسالی پیامبر تفاوتی ندارد، ولی با توجه به روایات، سزاوار نیست نام وحی بر آن نهاد. با توجه به برخی ویژگی‌های وحی و الهام، تفاوت‌هایی قابل ذکر است که برخی از این جمله‌اند: وحی از خواص نبوت، الهام از خواص ولایت، روشن بودن منبع وحی برای پیامبر و غیره دریافت‌های اولیاء الهی غیر معصوم، حتی معصوم فقط به بسط کمی شریعت کمک می‌کند. از احادیث استفاد می‌شود که ائمه معصومین (ع) از نوعی علم برخوردار بوده‌اند و این قبیل علوم شبیه وحی بوده است که تحدیث و شاید الهام نام بردار باشد. علوم اولیاء (عرفا) نیز از منبع علم امامان و پیامبر تغذیه می‌شود و در رتبه علوم اولیاء معصوم نمی‌ایستند، از

دستورات را بر قلب نورانی او القا می‌کند و به او ماموریت می‌دهد تا آنها را به مردم ابلاغ کند و در همین حال، خدای سبحان را شناخته و به ماموریت سنگین خود که همان پیام‌رسانی است آگاهی کامل دارد و از اطمینان و آرامش درونی برخوردار است. (11). در توضیحات وحی لازم است ذکر شود که وحی در مسیحیت مکاشفه گفته می‌شود. در کتاب مقدس از مکاشفه حضرت عیسی به کرات نام برده شده و توضیحات در این مکاشفه بیان شده است. عبده است که بیان کرده است که قرآن به عنوان یک وحی الهی با عقل در تضاد نیست؛ بلکه آن تنها کتاب مقدسی است که وحی و عقل را در بیشترین حد ممکن با یکدیگر در می‌آمیزد. (بوسو، ص. ابزارگرایی، رئالیسم و ایمان مسیحی). از آنجاییکه آن ارائه دهنده

از نظر علامه طباطبایی، وحی اعجاز است از سمت خداوند که، اگر فقط در بلاغت قرآن و اسلوب زبانی آن بود، نمی‌باید دامنه شمول خطاب آن از عرب‌های خاص فراتر می‌رفت، در حالی که آیات زیادی بیان شده همه بر وحی و پیامبران و حوادث اشاره دارند. در تفسیر آیه 51 سوره شورا، «وَمَا كَانَ لَبِشْرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذُنِهِ مَا يَشَاءُ □ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ» (و هیچ بشری را یارای آن نباشد که خدا با او سخن گوید مگر به وحی (و الهام خدا) یا از پس پرده غیب عالم (و حجاب ملکوت جهان) یا رسولی (از فرشتگان عالم بالا) فرستد تا به امر خدا)

وحی نبوت و رسالت

از نام آن به راحتی پیداست که این وحی مختص پیامبران و برای رساندن پیام خدابه‌بندگان می‌باشد. این نوع از وحی دارای نشانه‌های خاص است که برای افراد قابل درک نیست.

وحی الهام

وحی در قرآن مفهوم گسترش یافته‌ای دارد که در کتب مختلف به صور گوناگون تشریح شده است (7). وحی الهام در اصطلاح عرفانی نوعی اخبار و افاضه الهی برای انسان است که او را به انجام عمل

انان ندارد؛ از این رو شنودهای غیبی امامان (ع) وحی اصطلاحی دانسته نمی شود. از موارد کاربرد وحی در استفاده می شود که: معنای جامعه وحی، همان القای پنهانی است. اصطلاح خاص وحی رسالی در قرآن اخص از مفهوم لغوی، و اصطلاح عام وحی رسالی متمایز از یا متعارض با دیگر کاربردهاست (14).

وحی امر

راغب در مفردات می نویسد: «اصل وحی اشاره سریع است و برای در بر گرفتن معنی سرعت، به کاری که به سرعت انجام شود «امر وحی» گفته می شود و به سخنی که به طور امر و کنایه ادا شود و گاهی به صدای جدا از ترکیب حروف و نیز به وسوسه نیز گفته می شود و همچنین به سخن خدا که به پیامبران و اولیا القا می شود وحی می گویند که بر طبق آیه قرآن بر چند گونه است.»

«وحی امر» بر حواریون نازل شده و حواریون ایمان آوردند. با نگاهی به قرآن، وحی به آسمان مطرح شده: وحی کرد خدا در هر آسمانی کار (وظایف) آن آسمان را، نیز وحی به زمین آمده است: «بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا» (سوره زلزال، آیه 11)

(که خدا به او چنین الهام کند (تا به سخن آید و خلق را به اخبارش آگاه نماید).

(روز قیامت زمین ماجراهای خود را بازگو می کند، زیرا پروردگارش به آن وحی می کند. همچنین وحی به زنبور عسل و مورچه: (همان ویژگی های غریزی آنهاست)

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (سوره مائده، آیه 11)

(ای اهل ایمان، یاد آرید نعمت خدا را بر خود آن گاه که گروهی همت گماشتند که بر شما دست یازند و خدا دست (ستم) آنها را از شما کوتاه نمود و از خدا بترسید، و باید اهل ایمان تنها بر خدا توکل کنند).

به نظر می رسد بیشتر آیات قرآنی زمانی به پیامبر اکرم (ص) رسیده اند که اصحاب حضور نداشته اند.

وحی خبر

وحی خبر درباره جمعی از انبیاء است. آنان که پیشوایانی داشتند که به فرمان این پیشوایان انجام کارهای نیک به آنها اطلاع رسانی می شده است (11). «وحی خبر» چنان که در باره ی جمعی از پیامبران در قرآن و آیات زیر می فرماید:

« وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (سوره انبیاء آیه ۷۳)

(آن ها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می کردند و انجام کارهای نیک را به آن ها خبر دادیم).

وحی خبری وحی از جانب خداوند می باشد که اطلاعاتی را به پیامبران می رساند که حامل رویدادها و پیام هایی در زمان مناسب بود. اگر از نگاه شیخ محمد عبده بیان شود الهاماتی خواهد بود که به واسطه خداوند در دل بندگان نیز جاری می سازد

نتیجه گیری

این رو هیچ عارف کاملی ادعای تجارب فریه تر از نبی و امام نخواهد داشت (12).

وحی اشاره

وحی اشاره از مهمترین وحی های نازل شده به پیامبران و اولیای خداوند است. در فرهنگ اسلامی شناخت وحی و کیفیت نزول آن بر قلب حضرت پیامبر (ص) تا این اندازه از اهمیت برخوردار است که صدرالمتهلین شیرازی معتقد است: به هر مومنی ایمان به آن چه بر پیامبران فرو فرستاده شده لازم است، دانستن چگونگی نزول وحی نیز بر عهده هر عالمی می باشد که در کارزار این دنیا دارای نگرشی درست و دارای ادراکات مناسب برای دریافت اشاره وحی باشد. در بررسی نظریات مفسران و متکلمان مسلمان و همچنین مفسران دین و کتب دینی درباره کیفیت و طریقه نزول کامل ترین و عالی ترین دستاورد وحی اسلامی بر قلب حضرت پیامبر (ص) نازل شده است. وحی در کاربرد کلامی، تفاوت هایی با کاربرد قرآنی آن دارد و همچنین انزال معنا و تنزیل لفظ قرآن، هر دو بر قلب حضرت پیامبر (ص) حادث شده و هیچ کدام از این دو مفهوم را نباید از مفهوم نزول قرآن جدا دانست. در آرای مفسران و متکلمان مسلمان، نظریه نزول لفظی در قرآن در باره شیوه نزول قرآن از وثاقت و اعتبار بالاتری برخوردار است. در بیان وحی اشاره باید گفت که این وحی از دید و وسعت دید قلبی پیامبران نشأت گرفته است.

«وحی اشاره» همان گونه که خداوند متعال درباره ی زکریا در سوره مریم آیه ی ۱۱ می فرماید:

«فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبحوا بكرة وعشیا» زکریا از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمده و با اشاره به آن ها گفت: صبح و شام خدا را تسبیح گوید».

وحی تقدیر

موارد کاربرد وحی در قرآن به لحاظ معنایی، تقدیر قوانین و سنن الهی در جهان هستی و هدایت غریزی و غیره می باشد. وحی رسالی شایع ترین کاربرد قرآنی وحی است. در آیه 51 سوره شوری، وحی در معنای اخص از ارتباط رسالی آمده است (13). «وحی تقدیر» همان طور که در سوره فصلت آیه ۱۲ می فرماید:

«و اوحی فی کل سماء امرها» (سوره فصلت، آیه ۱۲).

(و فرمان خود را در هر آسمان مقدر فرمود).

در توضیحات وحی تقدیری در قرآن واژه وحی و مشتقاتش بیش از 70 بار به کار رفته که در تمام موارد آن، به نحوی انتقال پنهانی نهفته است. موارد کاربرد وحی در قرآن به لحاظ معنایی، تقدیر قوانین و سنن الهی در جهان هستی (فصلت: 12، زلزله: 5-6) و هدایت غریزی و... می باشد. وحی رسالی شایع ترین کاربرد قرآنی وحی است. در آیه 51 سوره شوری، وحی در معنای اخص از ارتباط رسالی آمده است. تعریف حقیقی وحی نیازمند تجربه پیامبرانه است، لذا دیگران از درک آن ناتوان اند. در تعریفی جامع تر، وحی ارتباط ویژه خداوند با پیامبران، از راه هایی که آیات قرآنی بر آن دلالت دارد (فرشته، مستقیم، و رای حجاب و در قالب گفتار با نوشتار و ...) می باشد؛ وحی در این معنا مافوق آگاهی عادی بشر (حسی، عقل، تجربه عرفانی) و مقرون با عصمت انبیاست و نظیری در غیر

است. شیخ محمد عبده بعد از نقل تعریف معروف وحی به اعلام خداوند، دیدگاه خود را چنین باز می‌گوید:

اما نحن فنعرفه علی شرطنا بانه عرفان یجده الشخص من نفسه معاليقین بانه من قبله بواسطه او بغير واسطه و الاول بصوت یتمثل لسمعه او بغير صوت (8).

با توجه به معانی قرآنی وحی با نگاه تفسیری علامه طباطبایی و شیخ محمد عبده مورد توجه قرار گرفت؛ که آن معانی عبارتند:

در آخرین فصل ابتدا راه‌های دریافت وحی بیان شده که از وحی، از طریق الهام مستقیم (به پیامبران دارای کتاب) خود خداوند به پیامبرش، وحی از وراء حجاب و وحی به واسطه فرشته است. علامه طباطبایی و شیخ محمد عبده با استناد به آیات قرآن و نهج البلاغه و استفاده از روایات در این کتب مقدس مشخص کردند که راه‌های دریافت وحی نبوی به سه روش انجام می‌شود.

وحی نوعی گفتگو است که بین خدا و انسان است که حس و تفکر عقلی در آن وجود ندارد یا درک نمی‌شود.

این گفتگو نه تنها از راه حس و تفکر عقلی درک نمی‌شود؛ بلکه درک و شعور دیگری است که گاهی در برخی از افراد به مشیت الاهی پیدا می‌شود و دستورات الهی که به صورت غیبی انجام می‌شود و ازدید و شهود عقل پنهان است انجام می‌شود، پدیده وحی و آموزش وحی توسط خداوند انجام می‌شود و پیامبران از این روش وحی را دریافت می‌کنند (9).

وحی راه نجات انسان است که از طریق اولیاء خداوند به آنها ارائه داده می‌شود و راه نجات می‌باشد که از ارکان اصلی و اساسی وحی می‌باشد که توسط پیامبران اولوالعظم در اختیار انسان قرار می‌گیرد و گره گشای زندگی می‌باشد.

وحی، پیامبران، امامان، قرآن کریم همه برای هدایت انسان به وجود آمدند و میزان درک و شناخت این موهبت‌های الهی از جانب خدا نیازمند چشمانی روشن و دل‌هایی بزرگ و عاشق دارد که بتواند این دستورات را با نگاه عشق بخواند و با قلب تپنده در جهت عملی کردن دستوران دینی گام بردارد.

این پژوهش نشانی از قدرت، حکمت و عظمت خداست تا بیننده، با دل و جان آن را درک کند و در راه شناخت خداوند عزوجل گام بردارد.

References

1. Khomeini, Ruhollah, Sahifa Imam, 1389. Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini (pbuh), vol. 17, p. 433.
2. Khomeini, Ruhollah, Etiquette of Prayer, 1388. Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (PBUH), p. 321, Tehran.
3. Khomeini, Ruhollah, Adab al-Salat, p. 181, Tehran, Institute for Compilation and Publishing of the Works of Imam Khomeini (pbuh), 1388. Khomeini, Ruhollah, Al-Talb

وحی ارتباط معنوی بین پیامبران و خداوند عزوجل، دانای مطلق است و چگونگی این ارتباط صورت می‌گیرد و چه اجزایی دارد و چه عناصر اولیه ای دارد، این امری است که ما که روی زمین نظاره می‌کنیم، بر ما پوشیده است. ما انسان‌ها فقط دارای احساسات مادی و معیارهای مادی هستیم که ما را قادر نمی‌سازد آنچه را که می‌بینیم، حس یا دریافت کنیم و برای درک واقعیت‌هایی که بالاتر از ماده و فراتر از ماده هستند این امر نامرئی بوده و از حیث نارسایی خودمان، برخی دعاها برای انکار وحی، از آن استفاده کرده ایم.

انسان به بهانه فاصله بین دو عالم، (عالم بالا و عالم پایین)، یعنی سفید، پاک و لطیف، و این لانه تاریکی، غلیظ ارتباط‌ها را نمی‌بیند، زیرا بین نور و ظلمت ارتباطی وجود ندارد و بین لطیف و متراکم ارتباطی نیست و بین این جهان و جهان دیگر رابطه ای نیست، اما اگر از این انسان اتاقتی دو ضلعی بسازیم که، از یکی از ضلع‌های آن بدنی متراکم و دارای خصوصیات ماده سفلی است و ضلع دیگر آن روحانی، لطیف و ملاکی است که به هیچ وجه این شبهه را به آن نمی‌توان

شخصی که پشت شخصیت او قرار دارد، این پدیده، شخصیت درونی دیگری است که او را گاه برای معاشرت با دنیای معنوی والاتر و او می‌دارد، زیرا اصل او از او و به او غایت است:

«ما از خدایم و از او خواهیم بود. بازگشت»

علامه طباطبایی انسان را خواستار سعادت، کمال و خیر می‌داند، زندگی اجتماعی را یک ضرورت و وجود قانون برای آن را گریز ناپذیر می‌خواند. وی معتقد است قانونی می‌تواند تأمین‌کننده عدالت و سعادت باشد که با نظام تکوین هماهنگی حاصل کند، این امر زندگی اخروی را نیز شامل می‌شود کامیابی دین با چنین جامعیتی از طریق بحث عقلی و نیز آزمون تاریخی قابل ارزیابی است. علامه طباطبایی فردی مسلمان و جزء نواع دینی در عصر خود بود و شیخ محمد عبده فردی فقیه، حقوقدان و اصلاح‌گر دینی مصری و به روایت طرفدارانش، از اندیشمندان مسلمان و از پیشگامان نواندیشی دینی در دنیای اسلام است.

شیخ محمد عبده را یکی از بزرگان احیای فکر دینی و تفکر عقلی جهان عرب به شمار می‌آورند. و از این رو وی را گاه مورد تمجید و گاه انتقاد قرار داده‌اند. عبده برخلاف تفکر حاکم عربی، به فلسفه، دانش روز و مسائل سیاسی نظیر مبارزه با استعمار بها میداد و سعی میکرد قرآن را متناسب با نیازهای جهان مدرن تفسیر کند (12، 13). علامه طباطبایی با داشتن علوم مختلف در زمینه‌های دینی، قرآنی و معرفتی دارای مرتبه‌ای بلند بود. در این پژوهش از نظریات دو عالم ربانی استفاده شده است. با توجه به علم علامه طباطبایی و شیخ محمد عبده، با نظر به اینکه مبنای مسلمانان، از یک سو، مبنای گرای خود را بر بدیهیات بویژه اولیات بنیان نهادند، از سوی دیگر، معیار صدق گزاره‌های نظری را ارجاع آنها به بدیهیات در ماده و صورت دانسته‌اند، اشکالات یاد شده بر مبنای گرای اسلامی وارد نیست و مبنای گرای اسلامی از چنان ظرفیتی برخوردار است که توان پاسخگویی به این انتقادات را دارد. شیخ محمد عبده وحی را، یک نوع عرفان دانسته که شخص در نفس خودش آن را می‌یابد در حالی که معتقد است از جانب خداوند

Quranic revelation, Qobsat magazine, number 93.

- wa Al-Arada, pp. 14-15, Tehran, Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini (p.b.u.h.). , 1379.
4. Khomeini, Ruhollah, Imam Khomeini's (p.a.) Encyclopaedia, Vol. 9, p. 292, Tehran, Imam Khomeini (p.a.) Editing and Publishing Institute, 1400.
 5. Khalili, Mustafa, 1389. Revelation and revelation matters from the perspective of three divine sages, Imam Khomeini, Allamah Tabatabai and Shahid Motahari, Marafet publication.
 6. Ma'arif, Majid, 1382. Revelation and prophetic mission, Journal of Articles and Reviews, Volume: 36, Pages: 41-62.
 7. Khaltabari Limaki, Hossamuddin, 2009. Revelation and its Quranic applications, Afaq Din Quarterly, No. 3, 24 pages
 8. Risalah al-Tawheed, Abd al-Sheikh Muhammad, Dar Ibn Hazm, Beirut, p. 162.
 9. Talib Tash, Abdul Majeed, 2014. The Revelation of the Qur'an on the Prophet of Islam from the perspective of Imam Khomeini (PBUH), Matin Research Journal, 17th Fall, 2014, Number 68.
 10. Beheshtipour, Rooh Elah, 2013. Reason and Revelation according to Allameh Tabatabai, Philosophy of Religion Journal, Volume 8, Number 9, Pages 24-5.
 11. Amini, Ebrahim, Sheikh Mofid World Hazara Congress, Qom, articles of Sheikh Mofid World Hazara Congress, No. 59 p. 2 1413 AH.
 12. Sohaili, Mehdi, 2015. Revelation book, published in Moscow publishing house.
 13. Fakhar Noghani, Farideh, 2016. Examining and explaining the approach of "meta-narrative revelation" from the perspective of transcendental wisdom (scientific paper of the Ministry of Science), Philosophical-Theological Researches of the 19th year, number 3 (series 73) 157-173.
 14. Arab Salehi, Muhammad, Qayyum Irfani, Muhammad, 2018. Analysis and criticism of propositional approach to